



پاسکال پروکتر  
فیلسوف فرانسوی،  
مترجم زبان پروما و  
دفاعش از اسلام  
میتامرویی طارق  
رمضان از روشن شدن

تکلیف اسلام با مسائل مدرن همانگونه  
که پیش از آن مسیحیت چنین کرده  
است. دفاع می‌کند این دفاع او از اصلاح  
مذهبی به مسیح فرانسوی به حمایت از  
ایمان هیرسی علی منجر می‌شود که در برابر  
طارق رمضان تعابیر پر دانشی متفاوت از  
اسلام است. خر دنانه علی رخم نقدهایی که  
بر نظر این دو وارد می‌داند برای روشن شدن  
زودپایی از میا حنه اسلام در اروپا، این مقاله  
را منتشر می‌کند. نقد تیموتی کار تونش بر  
این مقاله هم در صفحه مقابل منتشر شده  
است.

پاسکال پروکتر

پاسکال پروما - نویسنده و روشنفکر هلندی  
انگلیسی - در کتابی بسیار عالی درباره سر نوشت  
تساعل در هلند و قتل فیلسوف و کارگردان  
فکون مشهور شده تون وان کوک توسط یک  
مراکسی افریقایی سپهر زندگی این هیرسی  
علی - و مالیاتی الاحل و عضو پارلمان هلند و  
کسی که خودش نیز به قتل تهدید شده بود را  
مورد بررسی قرار داده بود تصویر می‌کشد که در اینجا  
پروما به ما عرضه می‌کند دلایلی و پیچیدگی  
هولناک بود. کتاب پروما در حالی که شجاعت او را  
مورد تحسین قرار می‌داد اما بلافاصله بی‌عصبی  
و تعصب هیرسی علی در باره مسئله حقوق بشر  
را محکوم می‌کند ماردی که به عقیده نویسنده  
کتاب باعث گمراهی هیرسی علی در مبارزه خود  
بر ضد دین شده بود. پروما به وسیله یک گزارش  
واقعی سرزنی نامعزیزی را تبار لومی کرد علاوه  
بر آن، زبان پروما که توسط تیموتی کار تونش  
حمایت می‌بخشد به دفاع از شخصیتی کاملاً  
منافضه برنگیز (یعنی طارق رمضان) پرداخته  
و در مقاله‌های منتشره در ۴ فوریه ۲۰۰۲ در  
نیویورک تایمز او را به عنوان تنها شریک جدی  
برای گشتوگم در جبهه اسلام اصلاح طلب معرفی  
کرد.

مسئله اصلی مورد بحث این است که در  
بعضی کشورهای اروپایی اسلام به دومین دین  
رسمی تبدیل می‌شود. در نتیجه استفاده از حق  
بر خور داری از آزادی دین در اروپا هر دینی و از  
جمله اسلام باید برای انجام قرآنی دینی خود  
از جا و مکان شایسته و احترام دیگران بر خور داری  
پایند و البته تحت این شرط که نمایان غیر اروپایی  
تیز باید قوانین مبتنی بر نظام جمهوری و فرهنگ  
مکولار این کشورها را مورد احترام و رعایت قرار  
داده و تقاضای جایگاه ویژه برای خود نداشته  
باشند (چایگاهی که از نمایان دیگر مضایقه  
می‌شود). یادین مورد انتظار نباید تقاضای بر خور داری  
شدن از حقوق معمولی مانند استخرهای شنا  
زنانه و مردانه و کلاس های ورزش جداگانه برای  
پسران و دختران را داشته باشد. یک موقعیت و  
شرایط پر تنش بین اقلیتی این محضل را در  
میان گرفته است. امروزه یک موج بنیادگرایی  
به اروپا نیز دیک می‌شود موجی که در تلاش  
است جوامع غربی را در باره مسلمان کند  
جوامعی که به نوبت بودن منجم هستند و در  
نهایت تمسلی اروپایی غیر مسلمان را تحت قوانین  
خود در آورد. این توکبندی توسط فوای گروه‌های  
کینه جو و دنیای می‌شود پستی و هلی‌های  
سمودی، اخوان المسلمین و سلفی‌ها که تمسلی  
آنها برای رسیدن به چنین هدفی یا هم به رقابت  
بر خاسته از تولد یک اسلام روشنفکر اروپایی در  
این شرایط و موقعیت است که اهمیت می‌یابد  
شرایطی که به عنوان انگوری برای مسلمانان



# تکرار تجربه مسیحیت؟

پاسکال پروما و تیموتی کار تونش

به دهکهای کلیسای کاتولیکه تفتیش عقاید  
سوزن‌کن جانگسرن، جنگ‌های صلیبی و  
محکومیت بهت‌گساران و ملحدین را درک  
کرده‌اند؟ اکنون نوبت برخی مسلمانان است که  
آنجبه مسیحیت از قرن ۱۵ تجربه می‌کنند. از  
سیر بگترکنده یعنی خود را به دست سرنوشت  
بچرخان و با ذهنیت‌های معاصر تطبیق یابند.  
انقلاب فراموش می‌شود که مبارزه علیه کلیسا در  
اروپا نبردی از فرقه‌گرایی هولناک بود. همراه با  
خشونت‌های بی‌سابقه از هر دو طرف. کلیساها  
به آتش کشیده شدند، کشیش‌ها اسقف‌ها و  
راهب‌ها به دار آویخته شدند یا گردن زده شدند.  
املاک کلیساها منهدم شدند. اما سرانجام این نبرد  
ما را از تفکر روحانیون آزاد ساخت و کلیسای روم  
و شاخه‌های مختلف مذهب پروتستان را مجبور  
به محدود ساختن جاه طلبی‌هایشان کرده و به  
سرپرستی نظام اجتماع و حکومت کردن بر نه فقط  
و چندن‌های مردم که بر حتی بدن‌هایشان پایان  
نقد دلیلی وجود ندارد که اسلام انگلیسی که به  
فضای غرب دموکرات وارد می‌شود از این جنبش  
مکولار خولمی بگریزد و از حقوق معمولی  
بر خور داری شود که از ملاحظ دیگر مضایقه شده  
است.

و با تعداد کمی صدای مخالف به تصویب رسید.  
از جمله حامیان آن اکثریتی از زنان مسلمان  
فرانسوی بودند که خواهان نگهداری و محافظت  
از آزادی خود بودند و در میان آنها می‌توان از  
Fadela Amara نام برد که همسره با محمد  
عبدی فاجمن Banlieue را تاسیس کردند که  
شماره اصلی آن‌ها روسی و نه برده بود.  
آبسه گرگوری (Abbe Gregoric) در دوره  
انقلاب می‌گفت: «در نزاع میان ضعیف و قوی،  
آزادی به سرکوب ضعیف کمک می‌کند. در  
حالی که قوتون آنها را در پناه خود می‌گیرند. این  
کاملاً حقیقت دارد که بسیاری از سیاستمداران  
انگلیسی، هلندی و آلمانی که از زیان‌روی‌هایی  
که پوشیدن حجاب اسلامی به آنها می‌داند  
شوکه شده بودند اکنون قوانین مشابهی را در نظر  
گرفته‌اند تا حمل تملادهای دینی را در محوطه‌های  
عمومی ممنوع گردانند. چنانچه میان قلمروی  
معنوی و دنیوی باید به طور جدی و دقیق رعایت  
شود و باورهای دینی باید خودشان را به حوزه  
خصوصی محدود کنند.

تمسلی نقاط جهان مطرح خواهد بود  
تکرار می‌کنند؟ سیر متفاوتی در برابر ما کشوده  
است اولین آنها که ما هم از سنت انگلوساکسون  
است بر تفاوت‌های دقیق و صریح تاکید می‌کند  
و خود را بر مبنای رعایت و احترام و بستی‌های  
دینی استوار می‌سازد. در این خصوص، کالدای  
مبتنی بر تعدد فرهنگ‌ها نمونه اصلی برای  
مراجعه است دیگری که بیشتر ما هم از انقلاب  
فرقه‌ها است مبتنی است بر چنانی بسیار دقیق  
کلیسا و دولت و تبعیت عقاید و باورها از قوانین  
معنی. در همان گونه که تیموتی کار تونش  
بدرستی اشاره می‌کند هر دوی این مدل‌ها در  
حال حاضر در معرض بحران قرار گرفته‌اند به نظر  
من، چنین می‌رسد که از تمسلی جهت‌ها اصول  
مکولار هم هنوز هم به عنوان بهترین جهت‌یابی  
باقی مانده است.

فرقه‌ها معاصر و مدرن در نبرد ضد کلیسای  
کاتولیک شکل گرفته است و نسبت به  
تعصب گرایی دینی شدیداً حاصل‌یابی مانده  
است به عقیده من، اینکه ژاک شیراک با حمایت  
کمپوزیتی به ریاست برنارده استازی، قانونی  
را برای ممنوع کردن حمل املادهای دینی در  
مدرس و نهادهای عمومی به مجلس فرستاده  
عمل کفلا درستی بود. این ابتکار عمل به سهولت



# پاسکال بهتر از پاسکال بروکتر!

پاسخ به پاسکال بروکتر

تیموتی گارتون اش نویسنده و عضو کالج سنتتاتونی آکسفورد است. وی نویسنده کتاب‌های «تو نمی خواهی که بر اثر ناشی» (۱۹۸۱)، «انقلاب لهستان: همبستگی» (برنده جایزه سامرست سوام: ۱۹۸۲)، «جوایز فلاکت: مقالاتی در باب اروپای مرکزی» (۱۹۸۹) و «ما مردمان تشنه‌های انقلاب سال ۱۹۸۹» در روسیه، بوداپست، برلین و پراگ» (۱۹۹۰) است. آخرین کتاب او «پیام اروپا: اقلیم چندپاره» (۱۹۹۳) نام دارد. پاسکال بروکتر - فیلسوف فرانسوی - بان پروما و تیموتی گارتون اش را متهم می کند که به ترویج صورتی از چند فرهنگ باوری مشغول اند که لاجرم به تبعیض نژادی منجر خواهد شد. بحث چنانچه او به مناظره‌های بین‌المللی و بی‌قید و بند منجر شد تاکنون بان پروما، نکلا کلک و پل کلیتور در این مناظره شرکت جستند و نوشته حاضر بیانگر موضع تیموتی گارتون است.



## تیموتی گارتون اش

پاسکال بروکتر به نام روشنگری خطابه می کند اما به روح روشنگری خیانت می کند. روشنگری بدون باج دادن به نابول هادافع آزادی بیان است. چون حسن مؤدبانه، مشنگافانه و بنا ارائه دلائل خود، با دید گانه‌های زنی سومالیایی تبار موافق نبودم، بروکتر بدون تأمل مرا از ادب رست و مدافع تبعیض جنسیتی خطاب می کند. او مرا «بیان آور چند فرهنگ باوری» می خواند و آنگاه چند فرهنگ باوری را «زبان پرستی ضد نژاد پرستان» برمی شمارد. می گوید من هر حساسی از مد افکاره حسنه «از روح گفتگویی که زنان را مساجران آبیسی می کشند» شیطانی بر زرق و برق تر از فوق محسنان، آری این امر به معنی واقعی کلمه پرده‌ای بر روی مباحثی خود اوست. او با ترجمه همه منتقدان اسلام را نژاد پرستی، اسلام هراسی و فاقد صلاحیت می خواند. اما در این قضیه پاسخ نمی دهد. خودش را از یاد برده، قطعاً و نیز بر بودن او شکر است.

خودتقدیمی او در این بند بسیار مضحک و عجیب است. هر نوع بان پروما و تیموتی گارتون اش در موافقت با سیاست‌های آمریکا و در پشتیبانی (حتی اگر این دو این سیاست‌ها را ناپسند داشته باشند) شکست جورج بوش و تونی بلر در جنگ علیه تروریسم نیز در نظر آنان بر امور نظامی و حقوقه شکن ایشن در نظرسنجی‌های مباحث فکری ریشه دارد. برای او مهم نیست که من گفتار نامر آن را نسبت به رویکرد بوش و بلر بر سر این موضوع عنوان کرده‌ام. نزد بروکتر، سعید سبانه است و کلمات همان معنایی را می دهند که خودش می خواهد. او می گوید که من گفتارم باید گاه آبان هیرسی علی «علی از حسن مسئولیت» است. می شود بگویند که اگر خواستید تمجید مرا از موضوع ضحانه او بخوانید، به نوشته من در نشریه نیویورکریویو و گاردین مراجعه کنید.

او می گوید که من استدلال خودم را بر پایه این واقعیت گفتم که این زن با نشاط و زک و راست در سنین جوانی بانخوان المسلمین مصر همکاری می کرده‌ام. چنین حرفی نردم آنچه گفتم این بود: «در جوانی تحت تأثیر مطمان بر شور غیر مسلمانی گرفتار شدم و پیوسته با این مسلمانان دوستی داشتم. من خود آبان هیرسی علی است.

در جواب فیلسوف سنلی نشین، بان پروما این نکته را خاطر نشان کرده که پروما و من عملاً به میان مردمی رفتیم که در موردشان می نویسیم. و پای صحبتشان نشستیم اما بروکتر فقط بر روی سنلی فرانسوی اش تئوری می کند. پیشی از مقاله من در نشریه نیویورکریویو درباره آلمان قلمرو نشین در جومه پلیس بر پایه سفری پژوهشی و مطالعاتی گسترده و بررسی واقعیت متعدد استوار شده بود. اگر به زعم او این

داخل جومع بازو آن هم بطور دولتیله مستقر سازند مسئله این نوع دفاع از تمدن فرهنگها و آن هم در نام تسلسل کلاما روشن است این روش به برچین جهان مشترک و متعارف ختم خواهد شد. از حق مغفوت بودن به سرعت به متفاوت بودن حق می رسمیم که در آن مؤمنین از آلوده شدن به فرهنگ بی خدایان و پلار این در برابر فدیته‌ها و رفتار ناپاک باید محافظت بشوند.

یافتن حداقل یک نقطه مشترک با مقاله تیموتی گارتون اش در گاردین (۱۲ مارچ ۲۰۰۷) برای من بسیار مسرتبخش بود. او می نویسد: «اگر ما مخالفین مسلمان را نادیده بگیریم، دچار خطای مملکی شدیم. در اینجا باید اضافه کنیم که مباحثه ماصرفه انتخاب یکی از این دو، یعنی آیان هیرسی علی یا طارق رمضان به پایان نمی رسد. در افریقای شمالی، خاورمیانه، ایران و فرانسه تعدد بی شماری علم الهیات مدیران مساجد و روشنفکران مسلمان وجود دارد که در مخالفت با نفوذ افراط گرایی، بر دانش‌های واقعی و نازی را از اسلام مطرح ساخته‌اند.

در این خصوص، مايلم به یک اثر بنیادی اشاره کنیم: «انقلاب دینی» جیس ستا. اثر نویسنده ایرانی دکتر یوش شلیگان، متخصص مویسم و هندویسم. در این کتاب شلیگان از «آلوده شدن سنت به ایدئولوژی» صحبت می کند. یعنی به اقتیاد فلسفه‌های تاریخ فراموش وحی الهی که در نهایت به خشکیدن فرهنگ اسلامی خواهد انجامید. ظاهراً برای رسیدن و یافتن اندیشه‌های نوآوری مقید شلیگان رسانه‌های مابیش از اندازه کدهستند.

به نظر من، این یک خطای فاحش است که گفتگو را یا محافظه کاران افراطی کنیم و آن هم به این دلیل که آنها به طور علی تبلیغ به جهاد نمی کنند. در اینجا از این احتمال که اسلام در معرض اصلاحات قرار گیرد صرف نظر شده و به رهبریز از خشونت رضایت داده شده است. اما ترجیح دادن بنیادگرایی معاصر به تروریسم، نین مغفول کرده و در هر دلد که چهار هر دوی آنها با هم بشویم، سخت کیسی (از تودوکسی) و افراط گرایی مردان ریشو و جنگجویان فتناری، بسبب طمع و ولاد در هر حال، مگر نه اینکه رژیم تلرک فدییش عربستان سعودی از ظهور اقتاده جلو گیری نکرد.

این موضع که توسط نرس و دل مشغولی‌های کولتعت دیکه شده است، همان موضعی است که دولت کارگر انگلیسی انتخاب کرده هر چند که فعلان را مورد تردید قرار داده است. البته نیکولاس سار کوزی نیز همان را برگزید هنگامی که از پیوستن بنیادگرایان در UOIF (اتحادیه مسلمانان اسلامی فرانسه) - که به عنوان المسلمین بسیار نزدیک هستند - به سازمانی به نام Conseil Francais du Culte Musulman حمایت کرد.

آنچه در اینجا در مخاطره قرار می گرفته این احتمال و امکان است که اسلام بتواند - مانند کلیسای روم در دوره شورای دوم واتیکان - خود را با انگلیسی و قوی بنانه و با توجه به مسائل روز آریایی کند و با دیدی اقتصادی ورود خود به قرن چهاردهم را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

تیموتی گارتون اش و بان پروما با چنین موافق هستند که تبرد علیه بنیادگرایی، نمی تواند بدون شرکت خود مسلمانان به جایی برسد زیرا خود آنها هستند که قربانیان اصلی را تشکیل می دهند. معتدل ترین و هشیارترین آنها هستند که اکنون یاری خود را عرضه می کنند. موضوع برای ما چنان جدی است که اجازه نمی دهد روش‌ها یا متحدین خود را التماسی بگیریم.

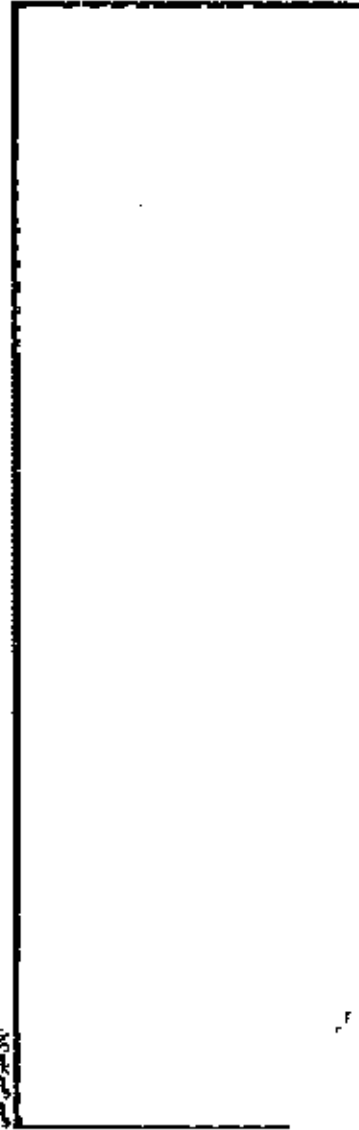
ترجمه: علی محمد طباطبایی  
منبع:  
<http://www.signandsight.com/features/1263.html>

روش «انگلسا کسون» عااست. پس من افتخار می کنم که انگلسا کسون هستم اما این روش صرفاً رول منطقی و مفیدمانی فکر کردن است. ناسفم که این است که بحث حیاتی ما به فراموشی سپرده شده یعنی که آینده جومع آزاد اروپایی بدان وابسته است. صرف نظر از اینکه کلام یک از ما در جامعه‌های واقعبینانه و زندگی می کنیم مشکل این است که نه نگاه افراطی زندگی کن و همیشه تبحر طلبانه و چند فرهنگ باوری که طی ترویج می کند و به حد کافی در هلند مورد نقد قرار گرفته بود. در برخی شهرهای انگلیس هم مشاهده می شود. نه نکر فرهنگ باوری جمهوری خواهانه و سکولار بروکتر که (تا حدی) در فرانسه به اجرا گذارته شده. نتوانستند حسن در خانه رستن را برای مهاجران مسلمان و فرزندانشان در اروپا به امان آورند. بحث جدی اینجاست که در هر تگله کلام مؤلفه‌ها را می توان به خوبی با هم ترکیب کرد تا بتوان چنین احساسی به وجود آورد و چه کارهای دیگری در این راستا می توانیم انجام دهیم. مثلاً شاید با روایت کردن داستان تازه از اروپاییانی که با گذشته‌هایی بسیار متنوع هستند و بر اساس اهدافی مشترک به ساختن آینده‌ای مشترک پرداخته‌اند بتوان به جذب ایشان امیدوار بود.

در همان مقاله نیویورکریویو، شرح دادم که هیرای هلند و اروپای سی شرم آور است. که نمی تواند کسی مثل آیان هیرسی علی را در میان خود نگه دارد. در گذشته متذکر شدم که دیدگاه او فرهنگی را که پیش روی بیشتر مسلمانان اروپاست نشان نمی دهد. دست کم نه برای آینده‌های نزدیک. سیاستی که توقع داشته باشد میلیون‌ها مسلمان به ناگهان دست از ایمان آنها و اجنادی خود بشویند باقی نماند. واقعیت نیست اگر پلیسی که از ما می شنوند این باشد که شرط لازم اروپایی شدن ترک ایمان است. آنها از اروپایی شدن چشم می پوشند. من بر این نکته فشار می می کنم که این امر حقیقی روشن است و انتقادی نیرومند نسبت به موضع علی و بروکتر محسوب می شود.

بسیار دفاع از بنیادهای جامعه‌های آزاد و آزادی بیان، علاوه بر آزادی آهنگن، به وسعت نظری می گون محتاجیم تا از اختلافات فرهنگی بگذریم. به آن ایستادگی از طریق که در بهیترت‌های عمیق نکرده‌ایم از روشی آزادی برلین و وجود داشت و باید قبول کنیم که مؤمنان می توانند افرادی معقول و شهروندی شایسته باشند. خلاصه باید کمتر بروکتر بود و بیشتر پاسکال.

پاسکال جنگلگزار بناره جدیدت‌حالات  
ترجمه: دانیال شاهزادگان  
منبع:  
signandsight.com



دانن موضع آیان هیرسی علی بر طاری رمضان ادامه می دهد. حتی اکنون که او (طارق رمضان) دوست قابل اعتمادی برای تسلسل شده است و پیامبر جدیدی برای مبارزه با سرمایه‌داری بان پروما در توصیف تحسین امیز خود از رمضان - که به رغم بعضی ملاحظات جزئی به شرح حال قدیمین بیشتر شباهت دارد - با این حال، برخی ویژگی‌های تکران کنندگی از قهرمان جدید خود را آشکار می سازد. من فقط می خواهم به یکی از آنها اشاره کنم. طارق رمضان در حالی که احساسی زنده از حجب و حیا را تبلیغ می کند، پیشنهاد می کند که زنان مسلمان باید از دست دادن به مردان استفاده از استخرهای شنا، مختلط خودکری کنند. او اظهار می دارد که خودش با زنان دوست می دهد. پله شما دوست می خوانید. در سال ۲۰۰۷ یک باطل مسلمان هترقی و ادعایی که برای موضع و ادیشه ضدلیبرال خودش موافق به کسب حمایت تلقی چپ افراطی فرانسه شده است. بی پروایی را به آنجا می رسد که اعتراف کند لو با این ها دست هم می دهد. باید بلافاصله به خاطر این کتر ضحانه او، مسئولیت وزیر امور بان را به او بخشیم.

بان پروما در پاسخ به مقاله من استدلال می کند که چون برمسلمانان های مسیحی و یهودی وجود دارد پس بیمارستان های مسلمان ها نیز امری پذیرفتنی است. او به همین ترتیب وجود مواحل مخصوص زنان مسلمان را با این استدلال که مواحل لغتی ها هم وجود دارد. موجه جلوه می دهد و تفاوت را صرفاً موضوعی مربوط به سلیقه می داند. نکلا کلک بهرستی اشاره کرده است که هدف اسلام گرایان، ایجاد یک جنبی کامل میان زنان و مردان در سرتاسر جامعه است. مثلاً در بخش پزشکی و درمان یا آموزش و ترفند فراغت، تا در نهایت روی می جیتی بر این نهاد را در